

## Unit 21 book 5

### متحیر

اگر شما متحیر شدید، شما بسیار شگفت زده شده اید.  
من شگفت زده شدم که مونیکا مسابقه هنر را برد.

### صفت

یک ویژگی مشخصه یک فرد یا چیزی است.  
او بسیار هوشمند نیست، اما او برخی از ویژگی های مثبت دیگر را دارد.

### دو زبانه

اگر کسی دو زبانه باشد، آنها می توانند دو زبان صحبت کنند.  
از آنجا که قبلا انگلیسی را می شناسید، پس از یادگیری فرانسوی شما دو زبانه خواهید بود.

### شبییه

یک کلون یک کپی یکسان از یک موجود زنده است.  
دانشمندان اخیرا یک کلون از گوسفند ساخته اند.

### محاوره ای

گفتمان کلمات غیر رسمی را توصیف می کند که برای سخنرانی مناسب تر از نوشتن هستند.  
برای من خیلی سخت است که مردم را که از زبان گفتار استفاده میکنند را درک کنم.

### لوازم آرایشی

لوازم آرایشی ها مواد هستند که صورت و پوست را زیبا تر می کند.  
دختران اغلب بهتر بنظر میرسند زمانی که لوازم آرایشی زیادی را استفاده نمیکند.

### سریع رفتن

به معنی اجرا یا حرکت سریع است.  
هلم پله ها را به سرعت بالا رفت، بنابراین او برای قرار ملاقات دیر نخواهد کرد.

### انزجار

انزجار احساس ناراحتی و خشم ناشی از چیزی بی ادب یا ناخوشایند است.  
او احساس نفرت را نسبت به تاریخ خود احساس کرد، زیرا او چنین عادت های خوردن وحشتناک داشت.

### فلورسنت

اگر چیزی فلورسنت باشد، این یک رنگ روشن است که به نظر می رسد نور را خاموش می کند.  
او کلمات کلیدی را در سند با یک قلم زرد فلورسنت برجسته کرد.

### خشمگین

اگر خشمگین هستید، شما بسیار عصبانی هستید.  
پدر من خشمگین بود وقتی که او گزارش مدرسه بد من را بخواند.

### فاصله

فاصله شکاف بین افرادی است که یکدیگر را درک نمی کنند.

فاصله ای بین جیمز و تونی بوده است، از زمانیکه والدینشان فوت کردند.

## علوم انسانی

علوم انسانی موضوعی هستند که ایده های انسانی را تجزیه و تحلیل می کنند، مانند تاریخ و ادبیات. جنیفر همیشه بیشتر به علوم انسانی علاقه مند بوده است تا به علوم طبیعی.

## گره

یک گره زمانی ساخته میشود که شما انتهای طناب را به هم دیگر وصل کنید. او بند های کفش خود را گره زد، بنابراین آنها در طول مسابقه باز نخواهند شد.

## زبانشناس

زبان شناس کسی است که زبان ها را مطالعه می کند. تونی یک زبان شناس خوب است و چهار زبان مختلف صحبت می کند.

## شرکت کننده

یک شرکت کننده کسی است که در یک رویداد یا رقابت اجتماعی میپیوندد. هزاران نفر از شرکت کنندگان در ماراتن امسال وجود داشتند.

## محتمل

اگر چیزی محتمل باشد، منطقی یا امکان پذیر است. این محتمل است که جک امروز اینجا نیست زیرا او بیمار است.

## مراسم

یک مراسم یک سنت رسمی است که مردم به طور مرتب انجام می دهند. کن بسیار علاقه مند به یادگیری در مورد مراسم مذهبی بومیان بود.

## خواهر و برادر

خواهر برادر برادر یا خواهر است. جین دو خواهر و برادر، یک برادر بزرگتر و یک خواهر کوچکتر دارد.

## استخوانی

اگر کسی استخوانی باشد، آنها بسیار لاغر هستند. پولی بسیار لاغر است. من فکر می کنم او نیاز به خوردن بیشتر دارد.

## مبهم

اگر چیزی مبهم باشد، روشن نیست، و جزئیات آن بسیار کم است. من از او در مورد سلامت مادرش پرسیدم، اما او در مورد آن بسیار مبهم بود.

## دوقلوها

کتی و آلیس دوقلو بودند. آنها خیلی شبیه بودند که تعداد کمی از مردم می توانستند آنها را به عنوان خواهر و برادر تشخیص دهند. آنها تقریباً مثل کلون بودند. آنها حتی از یک زبان مشابه همانند یکدیگر استفاده می کردند. آنها بهترین دوستان بودند.

اما ویژگی های دوقلوها همه یکسان نیستند. آلیس دوستدار علوم انسانی بود، و کتی یک زبان شناسان خوب بود. یک تابستان، کتی تصمیم گرفت تا یک شرکت کننده در یک اردوگاه تابستانی در فرانسه باشد. آلیس به زبان فرانسوی علاقمند

نبود، پس او نرفت. اما او عصبانی شد از اینکه کتی میخواست تابستان خود را دور از او سپری کند.

دو ماه بعد، کتی برگشت. آلیس به سرعت به فرودگاه رفت تا خواهر خود را ببیند. اما زمانی که آلیس کتی را دید، او شگفت زده شد. در حال حاضر دو زبانه بود، و او به طور کامل متفاوت بود! او لباس های زیبا و آرایش داشت و لاغر تر بنظر میرسید. آلیس احساس بسیار شلختگی در کنار او کرد. او فقط یک تی شرت رنگ روشن پوشیده بود، و موهایش را به هم گره زده بود.

هنگامی که آلیس از کتی درباره فرانسه پرسید، کتی مبهم بود و خیلی حرف نزد. این باعث عصبانیت آلیس شد و در او احساس نفرت بوجود آورد، زیرا در گذشته آنها همیشه همه چیز را به یکدیگر می گفتند. در حال حاضر فاصله بین آنها وجود داشت. در طول هفته ها، خواهران حتی کمتر صحبت می کردند.

دو ماه بعد، تولد دوقلوها بود. در تمام زندگی شان آنها یک مراسم را داشتند. قبل از تولدشان، آنها همه شب را باهم صحبت کردند. در آن شب، آلیس به اتاق خواب کتی رفت.

کتی گفت: "من متاسفم که من اخیرا صحبت نکرده ام."

"من میفهمم. آلیس، عصبانی گفت: شما دوستان جدیدی دارید."

کتی گفت: "دوستان فرانسوی من امروز خیلی نوشتند. برای مدتی، فکر کردم آنها هیجان انگیز تر از دوستان من در خانه بودند. اما من اشتباه می کردم. شما خواهر من هستید، و همیشه بهترین دوست من هستی."

آلیس گفت: "من هم متاسفم. من می خواستم تا رابطه ما برای همیشه باقی بماند. اما این کاملاً ممکن است که دوقلوها علایق متفاوت داشته باشند. ما هنوز هم می توانیم بهترین دوستان بدون اینکه تمام وقت با هم باشیم."